



گونه‌شناسی الگوی شخصیت زن در رسانه ملی

از یک الگوی شخصیتی و رفتاری دوری جوید و به نوع دیگر نزدیک شود. اما متأسفانه این هدف بسیار دشوار و پیچیده است و تیپ‌های مزبور نه تنها کمکی برای رسیدن به آن نمی‌کنند، بلکه اسباب دورتر شدن از آن هستند.

۲. زن واقعی:

در سال‌های گذشته برخی مجموعه‌های تلویزیونی با مضامین اجتماعی و تاریخی و همچنین پاره‌ای از برنامه‌های مستند توانسته‌اند تا حدودی تصویرگر واقعیاتی درباره زنان جامعه ما باشند. آنچه در بیشتر این آثار به چشم می‌آید، محدود شدنشان به نمایش زنانی است که به نوعی با مسائل اجتماعی کلان مانند اعتیاد، طلاق، فرزندان بزهکار، تنگی معیشت و نظایر آن درگیر هستند. در واقع این برنامه‌ها زنان را معمولاً در وضعی خاص نشان می‌دهند که در جامعه ما فراوان وجود دارند، اما واقعیت ملموس زندگی همه زنان یا تمام زندگی یک زن درگیر مسائل خاص نیست. انتخاب پاره‌ای از بخش‌های زندگی زنان در این موارد و حذف سایر ابعاد زندگی آن‌ها عامدانه نیست، اما به نوعی تحریف واقعیات از طریق کاستن از آن و برجسته کردن وجوه خاصی از آن است. این مورد، ازجمله مواردی است که در بررسی ناکامی الگوی شخصیت زن در تلویزیون مهم به شمار می‌آید.

۳. زن آرمانی:

یکی از اهداف رسانه فرهنگی پیشرو، غیر از ترسیم واقعیات و پاسخگویی به نیازهای واقعی مخاطبان، ترسیم افق‌های متعالی‌تر و ارتقابخشیدن به نیازهای مخاطبان است. ظاهراً در پیگیری این هدف است که گهگاهی شاهد پخش آثاری هستیم که سعی می‌کنند زنان موفق و واجد ویژگی‌های برجسته را همچون الگو و آرمانی برای سایر زنان ترسیم کنند. آنچه معمولاً در این راستا تولید و پخش می‌شود، مجموعه‌های مستندی است که به معرفی و مصاحبه با همسران و مادران شهدا و جانبازان، مادران فرزندان ناتوان، زنان مشغول به فعالیت‌های خیریه و مانند آن اختصاص دارد و البته برنامه‌های مذهبی و خانواده که با دعوت از کارشناسان، سعی می‌کنند زنان را برای رسیدن به زندگی مطلوب راهنمایی کنند.

تلویزیون هرروزه در قالب فیلم‌ها و مجموعه‌های نمایشی ایرانی، تصویرهایی را از جامعه، خانواده، افراد و سبک زندگی آن‌ها ارائه می‌دهد که می‌تواند برای بیننده معانی و پیامدهای متفاوتی داشته باشد. برای گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تفکیک این تصاویر از یکدیگر می‌توان مدخل‌های متفاوتی را برگزید. در این نوشتار تلاش شده است با نگاهی هویتی و فرهنگی گونه‌های مختلف تصویر شخصیت زن از یکدیگر تفکیک شود.

۱. زن نمایشی:

فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی ایرانی انباشته‌ای از تصاویر کاریکاتوری و نمایشی از زنان در قالب‌ها و اشکال مختلف است که با واقعیات و آرمان‌های زندگی زنان ایرانی هیچ تناسبی ندارد. به طور خاص، نمونه این زن نمایشی را می‌توان در دو نوع بد و خوب، یا مورد نفی و مورد تأیید مشاهده کرد. زنان نمایشی بد آن‌هایی هستند که در قالب مادرهای الکی مهربان و کاملاً منفعل، مادرشوهرهای بدجنس، زنان خبیثی که همسر دوم یا صیغه‌ای هستند، زنان خانه‌دار احمق، دختران جوان احساسی و خام که فریب می‌خورند و... نمایش داده می‌شوند. زنان نمایشی خوب نیز معمولاً مادر بزرگ‌های فوق‌العاده مهربان، دختران بسیار فهمیده و عاقل و گاه با یک چادر مصنوعی روی سرشان، زنان فداکار که حتی شوهران دزد و معتاد و بی‌وفایشان را صرفاً از روی عشق رها نمی‌کنند، زنان شاغل و موفق شبیه مردان و... هستند. آنچه این تصویرسازی‌ها را شدیداً مخدوش و معیوب ساخته، تمرکز روی یک یا چند ویژگی است که به شکل مصنوعی و اجباری به شخصیت‌های داستان‌های آبکی الصاق شده است. این زنان آن قدر دور از انتظارند و آن قدر از واقعیات ملموسی که زنان ایرانی با آن درگیرند، دور هستند که می‌توان آن‌ها را نسخه نمایشی زنان در مان‌های عامه‌پسند دانست. ظاهراً هدف از ارائه این تیپ‌های معیوب این است که بیننده

خورشیدنوشت: ۲

